



ضمایر [آنها]

رضا بابک سحرآمیز و قاشق چای خوری

کتاب صوتی مجموعه داستان «قاشق چای خوری» نوشته هوشنگ مرادی کرمانی با صدای رضا بابک و شهین نجف‌زاده منتشر شد

در هیاهوی این روزهای سلبریتی‌ها و اینفلوئنسرها و همه کسانی که سعی دارند به هر ترتیب صدایشان بلندتر باشد، بلکه بهتر شنیده شوند کسانی هستند مثل رضا بابک که آرام و بی‌هیاهو، نجیب و درست کارهای ارزشمند می‌کنند. یک نگاه گذرا به کارنامه رضا بابک از همان ابتدا تا امروز کافی است که بتوان او را از زمره هنرمندان فرهیخته‌ای قرار داد که ضمن مشارکت در آثار مؤثر و ارزشمند، همیشه تربیت نسل‌های بعدی و پرورش کودکان برایش دغدغه بوده است.

اولین گروه تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان را رضا بابک راه‌اندازی کرده است، ورودش به سینما با فیلم چریکه تارا بوده و تعداد نمایش‌هایی‌که برای بچه‌ها به صحنه برده بسیار بیشتر از آن است که بتوان به سادگی نام همه آنها را ذکر کرد. از نقش‌هایی که رضا بابک در سریال‌های تلویزیونی برای خانواده‌ها و برای بچه‌ها بازی کرده، بگذریم چون بیشتر **آنها** را همه ما به یاد می‌آوریم. مگر می‌شود آقا حای خانه مادربزرگه را با صدای رضا بابک فراموش کرد یا حضورش در گنبدکیود، گل پامچال یا حتی نقش‌های پراکنده‌اش را در قصه‌های تابه‌تا. حالا رضا بابک با این همه کار که برای بچه‌های این سرزمین انجام داده، در آستانه ۷۵ سالگی به کتاب صوتی به‌عنوان یک رسانه کم و بیش جدید توجه کرده و یکی از داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی را همراه شهین نجف‌زاده خوانده است. خبر را ایسنا منتشر کرده و توضیح داده کتاب قاشق چای‌خوری تازه‌ترین اثر هوشنگ مرادی کرمانی است و اردیبهشت سال گذشته منتشر شده است. حالا به همت مؤسسه نوین کتاب با صدای رضا بابک بازیگر تئاتر، سینما، تلویزیون و شهین نجف‌زاده گوینده و بازیگر سینما و تلویزیون به کتاب صوتی بدل شده و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. البته برای این کتاب صوتی آهنگسازی هم انجام شده که رامین وطن‌نیا آن را به‌عهده داشته است. مجموعه داستان قاشق چای‌خوری

با زمان ۷ ساعت و ۲۱ دقیقه در سایت نوین‌کتاب به نشانی novinketab.com و نرم افزار فیدیبو در دسترس علاقه‌مندان به کتاب گويا قرار گرفته است. این کتاب آن‌طور که ایسنا نوشته در مدت کمتر از چهار ماه به چاپ پنجم رسیده است. نشر معین انتشار این کتاب را به‌عهده داشته و حالا برای نخستین بار نوین‌کتاب آن را شنیدنی کرده است.



رسانه در نقادی و هم افزایی حوزه موسیقی و... منتشر شده است. اگر فعال حوزه رسانه هستید از ۲۵ آذر تا پایان وقت اداری یکشنبه ۵ بهمن ماه وقت دارید بر اساس فراخوان، مراحل ثبت نام و بارگذاری آثار خود را که در بازه زمانی اول بهمن ۹۸ تا اول بهمن ۹۹ منتشر شده است، با مراجعه به سایت جشنواره انجام دهید. / جام‌جم دیلی

ایران شهر؛ تمام آن چیزی که از ادبیات جنگ می‌خواهیم

فاطمه بهروزفخر

نویسنده



«در نظر بگیر قهرمانی بی‌بدیل را که قصه ندارد، خود را با همه جسم و جان به دیواره‌های قفس روزمرگی می‌کوبد برای رهاشدن و نشستن در

قصه‌ای؛ قصه‌ای که بتواند با آن، همه شجاعت‌ها و فداکاری‌ها و نیک‌سرشتی‌ها و ذوب‌شدن‌ها و بازستن‌هایش را بروز دهد.» این‌ها کلمه‌های ایران‌شهر است. ایران‌شهر بیشتر از این‌که فقط یک رمان باشد؛ قصه‌تاریخ است. تاریخی برآمده و تجربه‌شده از روزهایی که آدم‌های زیادی با آن دست‌وپنجه نرم کرده‌اند و هر کدام‌شان راوی بخش بزرگی از این قصه شده‌اند. ایران‌شهر قصه است. تاریخ است و جز این‌ها، همه چیز است. حال این سوال پیش می‌آید که چطور یک رمان می‌تواند همه چیز باشد؟

ایران‌شهر؛ قصه پرکشش تاریخ

صحبت از یک جلد نیست. صحبت از ده تا ۱۴ جلد است. و احتمالاً همین تعدد جلد‌ها ترس به جان آدم بیندازد که مگر می‌شود قصه خرمشهر را از شروع جنگ تا سقوط و آزادسازی‌اش، این‌همه با اطناب نوشت؟

و در جواب باید گفت، محمدحسن شهسواری، نویسنده‌ای است که می‌تواند در عین قصه‌گویی تاریخ هم بگوید. هدفش تاریخ‌نوشتن نیست، اما تاریخ بهانه‌ای است که شخصیت‌ها و موضوع داستانش را روی آن سوار کند و داستان را پیش ببرد. از این رو، با توجه به استقبال خوانندگان و مخاطبانی که تا به حال، سه جلد منتشرشده ایران‌شهر را خوانده‌اند، می‌توان مطمئن شد که ایران‌شهر قصه پرکششی است که مخاطب را خسته نمی‌کند.

ایران‌شهر؛ روایتی از متفاوت‌ترین‌ها

بدون اغراق یکی از ویژگی‌هایی که می‌تواند ایران‌شهر را نه در زمان حال، که بعدها نیز، موردتوجه قرار بدهد، شخصیت‌های آن است.

نکته قابل‌توجه دیگر درباره شخصیت‌ها، زنان داستان است. با این‌که انتظار می‌رود داستان با توجه به زمان و مکان جنگی‌اش، فضایی مردانه داشته باشد، اما نویسنده به خلق شخصیت‌های زنی پرداخته است که خارج از کلیشه‌های مرسومند. زن‌هایی که از بودن همیشگی در چار دیواری خانه و آشپزخانه درآمده‌اند و همچون مرشد، چراغ روشنی به دست گرفته‌اند تا مردان‌شان سره را از ناسره، غلط را از درست، و ترسیدن را از جرات‌کردن بازشناسند و قدم در راه وطن بگذارند. با این حال، می‌توان به‌عنوان نقد، این سوال را مطرح کرد که چه لزومی دارد، همه شخصیت‌های داستان، این قدر عمیق، متفاوت و دوست‌داشتنی باشند؟ چرا رمان بدون حضور شخصیتی منفی است که گاهی حس نفرت را درون ما زنده کند؟ چرا همه شخصیت‌ها باید این قدر عمیق فکر کنند و جهان‌بینی کامل و متفاوتی نسبت به امور بدیهی داشته باشند؟

به‌نظر می‌رسد نویسنده در پی این بوده است که با خلق ایران‌شهر، دنیای آرمانی خودش را به‌تصویر بکشد و در دنیای آرمانی او، همه شخصیت‌ها همین قدر متفاوت و تحسین‌برانگیزند. با این حال نمی‌توان منکر شد که گاهی نویسنده در خلق شخصیت‌ها و پرداختن به آنها از واقع‌گرایی دور می‌شود.

موسیقی و رسانه منتشر شده است. می‌دانید که موسیقی و رسانه به عنوان بخش جنبی جشنواره موسیقی فجر مطرح است. آن‌طور که روابط عمومی سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر به جام‌جم خبر داده، فراخوان جایزه موسیقی و رسانه با هدف افزایش نقش رسانه‌ها در توجه عمومی به موسیقی و کلام، تجلیل از نقش اهالی

در انتشارات مان رمان سفارشی نداریم

محمد امین اکبری

مدیر انتشارات شهرستان ادب



اول از همه عرض کنم که بنده چند ماهی است که به عنوان مدیر در انتشارات مشغول به کار شدم و کارهایی که امروز به نتیجه رسیده ثمره سال‌ها

تلاش دوستان و همکارانم در موسسه شهرستان ادب است، دوستان دفتر شعر، دفتر داستان و عزیزانی که پیش از این در دفتر نشر فعالیت می‌کردند و جناب آقای مودب مدیرعامل موسسه، پس سخن من در تایید فعالیت‌های انتشارات شهرستان ادب ذکر خبری از تلاش‌های این عزیزان است. این که شهرستان ادب تا چه اندازه موفق بوده، سوالی است که باید منتقدان و مخاطبان پاسخ بدهند.

ولی اگر من در اینجا در مقام مخاطب نه در جایگاه سازمانی بخواهم قضاوت کنم، انتشارات شهرستان ادب به گواه کتاب‌هایی که تا امروز چه در حوزه شعر و چه در حوزه داستان منتشر کرده، نشری جریان‌ساز و در حوزه تولید آثار ادبی تاثیرگذار بوده است. آن هم در زمانه‌ای که بازار ترجمه و واردات ادبی گرم است و ناشران ترجیح می‌دهند کمتر سراغ تالیف بروند.

اما در مورد رمان انقلاب، به نظر ما به دو شکل می‌توانیم به این مقوله نگاه کنیم. یک اینکه رمان انقلاب را تنها به موضوعات و حتی مواضع صریح انقلابی تقلیل بدیم و فقط رمانی را رمان انقلابی بدانیم که انقلاب اسلامی را بن‌مایه داستان خود قرار داده (که البته در جای خود محترم و ارزشمند است) یا اینکه مفهومی کلی‌تر را از رمان انقلاب ارائه بدھیم؛ رمانی که بتواند وارد حیطه‌های مختلف بشود ولی با گفتمان انقلاب اسلامی که البته متأسفانه مجالی برای شرح و بسط این موضوع نیست.

نمی‌دانم این پیشفرض که بعضی آثار تولیدی ما سفارشی هستند از کجا آمده و اصلاً این عبارت سفارشی دقیقاً به چه معناست. فی‌المثل به این معناست که شهرستان ادب به رمان نویسن مشهوری بگوید در مورد این موضوع خاص بنویس که خب چنین چیزی اصلاً نبوده. معمولاً چنین سفارش‌هایی به چهره‌ها می‌شود تا از قیل آنها نشر یا سازمانی به اعتباری دست پیدا کنند. در صورتی که یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای موسسه شهرستان ادب معرفی چهره‌های جدید و مستعد ادبیات داستانی و شعر است. برای مثال در مدرسه رمان که داستان نویسان جوان در طول یک سال در دوره‌های آموزش رمان شرکت می‌کنند در اول دوره این خود هنرچوها هستند که خلاصه داستان‌شان را ارائه می‌کنند و با راهنمایی استاد در طول یکسال از ایده به رمان می‌رسند. موسسه شهرستان ادب هیچ موضوعی را تحمیل نمی‌کند. ممکن است پیشنهاد بدهد، ولی تمیل خبر، طبیعی است کسانی که در دوره‌های آموزشی رمان (همچنین شعر) موسسه ما شرکت می‌کنند از لحاظ فکری با ما قربت دارند و محصولی که ارائه می‌دهند به آنچه ما می‌خواهیم در ادبیات معاصر به وقوع بپیوندد، نزدیک است ولی این به معنای سفارشی‌بودن نیست.

در مورد ماندگاربودن یک اثر فقط می‌توان با گذشت زمان نظر قطعی داد که احتمال ماندگاری این اثر چقدر است مطمئن‌اثری که بر پایه مولفه‌های ادبی بنا شده باشد و خواص بپسندندش و عوام بپذیرندش به احتمال زیاد ماندگار خواهد شد و ما سعی داریم چنین آثاری را برای انتشار انتخاب کنیم.

جایزه اهالی موسیقی برای بچه‌های رسانه

ما جام‌چی‌ها از جایزه «موسیقی و رسانه» خاطره خوبی داریم؛ در همان اولین دوره‌اش که سال گذشته برگزار شد، علی رستگار، سینمایی‌نویس روزنامه جام‌جم، دست پر بازگشت آن هم برای گزارش درخشانی که درباره موسیقی‌های مجید انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

انتظامی برای سینمای ایران نوشته بود. حالا خبر رسیده که فراخوان دومین جایزه

محمد حسن شهسوار ی با رمان چند جلدی ایران‌شهر تجربه جدیدی در داستان‌نویسی داشته است

محمد حسن شهسوار ی با رمان چند جلدی ایران‌شهر تجربه جدیدی در داستان‌نویسی داشته است

ر آدم‌های غیرجذاب و غیرمثبت م، کاری تعمدی کرده بودم. با

بی‌ی که رمان را در حد همین سه شده خوانده‌اند، شاه‌دند که من به وطن (ستون پنجم عراق) به به خانه‌های نیمه ویران مردم ند هم هستند، منتها نه به عنوان اصلی.

ان‌شهر پر از اطلاعات جالب‌توجه
می‌توان از آنها اشراف نویسنده به بچه‌گرفت، برای نوشتن ایران‌شهر ن‌پژوهش به کمک‌تان آمده؟

وع کردم تا روزی که اولین کلمه را تا ه طول کشید. اما مساله این ه این رمان تمام نشود، پژوهشش نشود. حدود ۲۵۰ کتاب دارم که به می‌کنم. تعداد کمتری فیلم و به برای تحقیقات میدانی رفته‌ام. ی‌ها از شلمچه تا پل خرمشهر ام و با افرادی مهم درگیر آن روزها رده‌ام و باز هم سر هر چیزی باید بنابراین کار تحقیق این رمان تمام ایش در نظر گرفتم ادامه خواهد شته من در کارشناسی ارشد، روش با اصول چنین کار پژوهشی آشنا م‌وردا از کارهایی که انجام داده‌ام را نویم این است که همه ۴۰۰ صفحه حات خرمشهر را تایپ کردم تا با آن

مبلغ قابل توجهی که برای نوشتن

عدد سوم

سلطه بی‌چون و چرای تک‌آهنگ

دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی هفته دوم آذرماه مجوز ۴۸ تک‌آهنگ و شش آلبوم را صادر کرده است و بنابراین همچنان تک‌آهنگ‌ها بسیار پررونق‌تر از آلبوم‌ها هستند چنان‌که چندی پیش در جام‌جم در این باره گزارش مفصلی در گفت‌وگو با معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم منتشر کردیم.



آرمی هامر در فیلم تقاضای بازی خواهد کرد

قسمت قبلی آن، چندان به مذاق منتقدان و سینماروهای حرفه‌ای خوش نیامد و نقد‌های مثبت زیادی دریافت نکرد. اهل فن عقیده دارند که تماشاگران و منتقدان بهد از دیدن نسخه جدید قسمت سوم، آن‌را هم اثری در حد و اندازه دو قسمت قبلی ارزیابی خواهند کرد. این در حالی است که مدیران پارامونت هنوز در برابر بخش استریم و اینترنتی سه گانه خود مقاومت کرده و حاضر به ارجاع آن به دنیای اینترنت و نمایش استریم آن نشده‌اند. گاپولا در دهه هفتاد میلادی با کارگردانی این تریلوژی، تبدیل به یکی از مطرح ترین فیلمسازان هالیوود شد. این اتفاق در حالی رخ داد که برخی از منتقدان پدروخوانده او را تقلیدی از درام‌های گنگستری موفق ژان پی یر ملویل فرانسوی می‌دانستند. /روایتی



و فیلم‌هایی که از او به‌جامانده، حکایت از شخصیتی ماجراجو دارد که کشف و شهودش را به سبک چشم‌بادامی‌ها، خاموش و بی‌هیاهو به انجام می‌رساند. کودکی کی دوک در یک روستای کوهستانی و دورافتاده سپری‌شده بود. در نوجوانی وارد بازار کار شد و جوانی را با ملحق شدن به نیروی مسلح دریایی آغاز کرد. حیرت‌انگیزتر این‌که از نیروی دریایی بیرون زد و به یک کلیسا رفت که واعظ بشود اما فهمید به نقاشی علاقه دارد. وقتی بعد از اتمام تحصیلاتش در رشته هنری‌های زیبا از پاریس به کره جنوبی برگشت، فیلمنامه نوشت و همان اولین نوشته‌اش مورد استقبال واقع شد. بعداًزن همه سردرگمی و پرواز بر شاخه‌های مختلف، کیم‌کی‌دوک روی فیلمسازی متمرکز شد و به خلق معنا در سینما پرداخت. برای کی‌دوک که از خرس برلین تا شیر و نیرزا برای فیلم‌هایش به دست آورده بود، سینما بهانه‌ای بود برای نوشتنن مفاهیمی مانند رستگاری، تاوان، بخشش و سکوت‌های طولانی و بلند در فیلم‌هایش و فرصت مرز کردن همه اینها.